

به نام خدا

جلسه دوازدهم

فهرست مطالب

روانشناسی تجارت

تجارت ذهنی

چند توصیه مهم برای تریدرها

روانشناسی تجارت

- ۱- همیشه نتایج معاملات خودتان را نگهدارید تا هر چند وقت یکبار آنها را مرور کنید و نقطه ضعف ها و نقاط قوت خودتان را پیدا کنید.
- ۲- خوش بین باشید و ناراحت نباشید که چقدر ضرر کرده اید.
- ۳- روز به روز هدف های بالاتری داشته باشید.
- ۴- در خبرهای بد بخريد و در خبر های خوب بفروشید.
- ۵- تاجران موفق برای بودن در بازار زمان بندنی دارند.
- ۶- تاجران موفق نظر خودشان را از نظر دیگران جدا می کنند.
- ۷- کوشش کنید و پشتکار داشته باشید.
- ۸- صبور و ریلکس باشید.
- ۹- بهترین سود، ضرر نکردن است .
- ۱۰- طمع نکنید.
- ۱۱- با استفاده از حد ضرر (Stop) ضررهای خود را محدود کنید.
- ۱۲- هرگز دستور حد ضرری (Sto loss order) که گذاشتید را حذف یا عوض نکنید.
- ۱۳- اگر خیلی استرس دارید و دلوایس هستید به مارکت نگاه نکنید.
- ۱۴- به تعداد زیاد پوزیشن نگیرید.
- ۱۵- ضررها هستند که شما را کوشا می کنند.
- ۱۶- همیشه منظم باشید و یکسری قانون برای خودتون بگذارید.
- ۱۷- نگرفتن پوزیشنی که منجر به ضرر می شود بهتر از گرفتن پوزیشنی هست که منجر به سود می شود.
- ۱۸- هرگز اجازه ندهید که سودتان تبدیل به ضرر بشود، اگر به ۲۰٪ از حداکثر سودی که در نظر داشته اید رسیدید پوزیشنتان را ببندید.
- ۱۹- باید یک برنامه داشته باشید و برنامه تان را هم دنبال کنید.
- ۲۰- کسانی که از ضررشان خیلی ناراحت می شوند، فرصت سود بعدی را از دست میدهند.
- ۲۱- هرگز بیش از ۵۰٪ سودهایی را که به دست آورده اید رو به خطر نیاندازید

- ۲۲- کلید موفقیت در تجارت، فهمیدن خودتان و نقطه استرستان است.
 ۲۳- تفاوت بین برنده و بازنده همیشه مهارت بیشتر نیست، داشتن انضباط و دوری از اشتباه است.
 ۲۴- حرف زدن نقره است و سکوت طلا
 ۲۵- تاجران موفق خیلی در باره موفقیت هایشان حرف نمی زنند.
 ۲۶- شکست را قبول کنید تا يك قدم به پیروزی نزدیک تر شوید.

در اغلب بازارهای سهام، کالا و ارز تعداد بازنده گان بمراتب بیشتر از تعداد کسانی می باشد که بطور مرتب از بازار بهره برداری می نمایند. تفاوت این دو گروه در این می باشد که گروه موفق بر خوردار از نوعی انضباط فکری هستند، بدین معنی که بخوبی قادرند اعمال و رفتار خود را کنترل نموده و پیوسته خود را با جریان بازار وفق دهند. و این ملاحظات روانشناسی هیچ رابطه ای با نتایج تحلیل تکنیکی و یا بنیادی نداشته و در حقیقت میتوان ادعا نمود که موفقیت در معاملات این بازارها هشتاد درصد بر پایه اصول روانشناسی و فقط بیست درصد بر اساس پیروی از نتایج تحلیل های تکنیکی یا بنیادی استوار است و این در حالی است که نتایج تحلیل های تکنیکی یا بنیادی همیشه درست از آب در نمی آید زیرا کلیه این تحلیل ها بر پایه آنچه در گذشته اتفاق افتاده و به این امید که رفتار سرمایه گذاران در گذشته به همان منوال در آینده نیز تکرار می گردد بوده و در زمان حال قبل از آنکه آینده ای پیش آید احتمالاً تغییر می یابد و مضافاً اینکه هر آن ممکن است اتفاقات جدیدی رخ داده و تکرار تاریخ را غیر ممکن سازد. در هر صورت آینده بهیچ وجه قابل پیش بینی نیست و آنچه بطور ختم در اختیار شخص باقی میماند، کنترل رفتار و اعصاب و روان خود می باشد.

مسئله مشترکی که بین کلیه شرکت کننده گان در بازار سهام وجود دارد این حقیقت است که سال های اولیه معاملات آنها پیوسته با ترس، دلهره، نگرانی، و شکست همراه بوده است و در بین این اکثریت ناکام فقط تعداد انگشت شماری پس از سال ها تحمل شکست بالاخره موفق شده اند که در اثر آگاهی به اشتباهات خود، بر نقاط ضعف روانی خود فائق آمده و بطریقی مستمر و مکرر از بازار بهره مند گردند. بنا بر این شایسته است توجه فوق العاده بیشتری به مسائل روانشناسی در مقایسه با سایر مسائل آموزشی نمود.

تجارت ذهنی

دو تریدر را در نظر بگیرید.
 به آنها سرمایه اولیه یکسان، نرم افزار تجاری یکسان، بازار یکسان، سیستم تجاری با قوانین دقیق ورود و خروج یکسان را بدهید.
 يك ماه دیگر به سراغ آنها بروید، چه می بینید؟
 یکی از تریدرها ۲۰٪ سود داشته و دیگری ۴۰٪ زیان.
 جالبه نه؟ چطور ممکن است که دو نفر فرصت یکسانی را در زندگی بدست آورده باشند، اما نتایج کاملاً متفاوتی به دست آورده باشند؟
 ما در day-trading-mind.com معتقدیم که پاسخ به موفقیت در وجود هر کدام از ماهاست، خود ما مسئول نتایجی هستیم که از بازار بدست می آوریم.
 لیست ۱۰ گانه زیر از بحث های انجام شده در کنفرانس های منظم ماهانه ما گردآوری شده است.
 ممکن است برخی از آنها را بدانید ولی برخی دیگر جدید هستند.
 امیدواریم برای تان مفید باشد.

۱- واقعیت را دریابید

تجارت بازی احتمالات است.
 فرض کنید که شیر یا خط می اندازیم. اگر شیر بیاید من يك دلار می برم و اگر خط بیاید شما. ساده است.
 احتمال آمدن هر کدام از اینها نصف است. پس ما نه برنده ایم نه بازنده.
 اما، بدون اینکه من بدانم شما يك سکه بارگذاری شده دارید. در هر ۱۰۰ بار ۴۹ بار شیر می آید و ۵۱ بار خط.
 پس حالا شما مجوز چاپ پول را دارید. اجازه بدهید نام آن را [tail trading system](#) بگذاریم.

تنها کاری که باید انجام دهید این است که تا آخر عمر بنشینید و سر شیر یا خط شرط بندی کنید. نهایتاً شما همه پول های مرا خواهید برد. (هم من هم همه کسانی که با شما شرط بندی کنند) هر سیستم تجاری که استفاده می کنید...

مثال

... patterns breakouts, دنبال کردن روند، fibonacci، میانگین حرکت، دنبال کردن کانال ها، سیگنال های نوسانگرها، bollinger bands, swing trading, opening gaps ...
... شما به تمایلات مثبت تکیه می کنید. اساساً، سیستم تجاری می گوید: وقتی X روی می دهد، Y متعاقب آن روی می دهد.
همیشه این طور نیست. ولی بیشتر اوقات هست.
همه آنچه یک سیستم تجاری انجام می دهد این است که به شما کمک می کند احتمال بالای معاملات را شناسایی کنید، بدست می آورد آن شوید، و خود را در زمان رشد سودتان حفظ نماید.
بعضی از سیستم های تجاری از بعضی دیگر بهترند. ولی هیچ گاه دست از جستجوی کامل ترین سیستم تجاری بر ندارند.
شما سیستم هایی مانند Nirvana و غیره را می شناسید. سیستم های منفوری مثل holy grail و غیره ... سیستمی که سود را طبق درخواست می دهد و هرگز به هیچ عنوان اشتباه نمی کند!
سیستم تجاری را که دوست دارید پیدا کنید. چیزی که با آن راحت باشید، چیزی را که درک می کنید. به آن بچسبید. استوار و ثابت قدم باشید.
یک تریدر خوب و منظم یک سیستم متوسط را انتخاب می کند و از آن پول در می آورد. یک تریدر مضطرب و خود رایی یک سیستم عالی را انتخاب می کند و شکست می خورد.
همه تریدرها روزهای خوب و بد دارند. بعضی روزها سود کمی می کنند. بعضی روزها ضررهای کوچکی می دهید. و یک یا دو بار در ماه سودهای بزرگی به دست می آورید. این بستگی به شما دارد که بعنوان یک تریدر چطور پول در آورید. هرگز ۹ قبل از ۵ نمی آید.
مشکل این جاست که شما نمی دانید معاملات بزرگ کی از راه می رسند. مانند سیستم tail trading، ترید یا فرصتی را که از دست می دهید دقیقاً زمانی است که بازار از آن عبور می کند و هرگز باز نمی گردد. شما باید دید باز و بزرگ داشته باشید. توجه داشته باشید که معامله کنونی یکی از بی شمار است. بر این اساس معامله کنونی خیلی هم مهم نیست. مانند یک پلانکتون کوچک در یک اقیانوس است. ترید کردن یعنی مدیریت ریسک و هماهنگ کردن خود با قوانین طبیعت. قانون کهن احتمالات.

۲- معاملات خود را برنامه ریزی کنید، بعد روی برنامه و طرحتان معامله کنید.

شغل شما بعنوان یک تریدر دنبال کردن یک طرح تجاری است.
چه کسی این طرح تجاری را می نویسد؟ شما
به کلمه "نوشتن" توجه کنید. طرح باید نوشته شود، روی میز ترید، رو به روی تان.
سیستم تجاری شما قوانینی را که باید دنبال کنید به شما می دهد. تنها کاری که می کنید ترجمه برگرداندن آنها به طرح خودتان است.
یک سیستم تجاری باید دارای سه قسمت باشد: ساختار، ورود و خروج
(مسلماً بحث در مورد جزئیات یک سیستم تجاری خاص در حیطه این متن نیست. چون صدها سیستم تجاری وجود دارد، اما به برخی از آنها در خبرنامه اشاره خواهیم کرد)
سخت نگیرید.
آنها دنبال کنید. با تعصب.

۳- اگر زیاد خرج نکنید، زیاد نمی بازید.

یکی از بزرگ ترین اشتباهی که تریدرها می توانند انجام دهند وارد کردن مقدار زیادی از پول شان در یک معامله است.
هر چه بیشتر خرج کنید، سوخت بیشتری روی آتش می ریزید. نهایتاً، ممکن است به شدت بسوزید. و تبعات روانی آن قابل جبران نخواهد بود.

بیشتر تریدرهای تازه کار پول زیادی را به امید يك برد سریع استفاده می کنند. تریدر های با تجربه بهتر می دانند.

در day trading جایی که ممکن است معاملات بزرگ و سریع باشند، محدود بازنده های بزرگ می توانند شما را سریعاً زنده زنده بخورند. تریدرهای day خوب که زنده می مانند مقدار بسیار کمی را روی هر معامله شان ریسک می کنند.

اگر شما under capitalized هستید در این صورت به فکر استفاده از سیستم تجاری باشید که stop, loss مشخصی را به شما میدهد. نتیجتاً، در چهارچوب زمانی کوتاه تري ترید کنید. مانند نمودارهای ۱ دقیقه ای جایی که زبان ها می توانند حداقل باشند.

اعتماد به نفس زیاده از حد بالا دلیل دیگر ریسک مغرط است. هید ... head ها ۱۰ بار در يك ردیف می آیند ... بگذارید نیمی از سرمایه معامله را روی "شیر" بگذاریم، که مطمئناً خواهد آمد.

مشکل اطمینان از معامله این است که:

الف) بازار به ندرت به چیزی متعهد است.

ب) بقیه هم آنها را می بینند. پس اگر اشتباه کنند، اشتباه بزرگی کرده اند.

روی هر معامله مقدار کمی ریسک کنید. به این ترتیب با آرامش تر خواهید بود و توانایی شما در انجام درست معامله بیشتر می شود.

۲- به پول فکر نکنید، به پوینتها فکر کنید.

می رسیم به رابطه شما با پول.

چه آن را دوست داشته باشیم چه نه، پول در جامعه ما بسیار مهم است. مهم است. و احساساً زیادی را به آن گره زده ایم.

چه احساسی دارید اگر صدها دلار در مقابل چشمان تان دود شود و به هوا برود؟

مشکل اصلی قیمت هر چیزی است. شما باید مقداری را ببازید تا مقدار بیشتری را بدست آورید. همان طور که گفتیم هیچ چیز جادویی وجود ندارد.

اگر نمی توانید رابطه خود را با پول تغییر دهید، پس فقط به آن فکر کنید. به جای آن روی ارقام تمرکز کنید. به درصد حساب تجاری فکر کنید. به میانگین ریسک به دستاورد فکر کنید. به تفاوت پوینت هایی که پتانسیل سود دارند با پوینت های با بالاترین حد ریسک فکر کنید.

شما فقط مراقب باشید که در مورد ارقام اشتباه نکنید. پول خود را مراقب خودش خواهد بود.

۵- ذهن چه چیز را درمیانید؟

آیا ممکن است شما به صورت درونی مایل به باخت باشید؟

رفتارهای خود تخریبی به راحتی می توانند خود را در بازار آشکار کنند، بخصوص بین day traders. وقتی قیمت در مقابل چشمان شما به رقص در می آید، میتواند به شما چنگ بزند. می توانید فکر کنید که در حال بازی کردن با شماس است.

به همین دلیل است که شما باید بسیار بسیار مراقب دوری کردن از معامله احساسی باشید. شما يك دیگ در حال جوشیدن هستید که منتظر انفجارید. در این شرایط به دنبال تجربه های بسیار بد در بازار هستید.

در مورد معاملات احساساتی نشوید. به خاطر داشته باشید که این معامله یکی از تعداد بی شمار معامله های موجود است. هرگز بیش از حد جذب يك ترید نشوید.

شما باید خود را يك تریدر حرفه ای ببینید. در آغاز هر روز کاری، قبل از باز شدن بازار، چند دقیقه ای را با خود خلوت کنید.

چشم های خود را ببندید. شروع به تجسم بازار کنید. نمودار را در صفحه کامپیوتر خود ببینید. به بالا و پائین رفتن قیمت نگاه کنید.

خود را در حال وارد شدن به بازار ببینید. توجه کنید که احساس آرامش می کنید. شما به گوش اما آرامید. کاملاً غیر احساساتی. ببینید که چگونه قیمت بعد از ورود شما حرکت می کند. و چگونه به stop, loss شما نزدیک می شود.

در ذهن خود چندین معامله انجام دهید. آنها را دنبال کنید. در یکی از تریدهای تان ضرر کنید. توجه کنید که شما دید بازی دارید. احساساتی نیستید. کاملاً آرام. معامله دیگری انجام می دهید. دوباره يك ضرر کوچک دیگر. آشفته نیستید. بعدی يك معامله برنده خواهد بود. دوباره، شما آرامید. این همه کار است.

این کار تمرین می خواهد. و شما باید به صورت منظم این کار را انجام دهید تا بیشترین سود را ببرید. هر روز صبح و هر وقتی که استرسی هستید یا در حال باخت هستید این کار را تمرین کنید. از مزیت‌های این تکنیک رایگان بودن آن است. و بازده آن بی نظیر است.

۶- رئیس خودتان باشید

خود شما مسئول معاملات تان هستید. خود شما به عنوان یک تریدر مسئول موفقیت یا شکست خودتان هستید.

نه بازار ... نه سیستم تجاری ... نه دولت یا بانک مرکزی شما. این یک مسئولیت کامل است. و شما با مهربان بودن با خودتان از پس این مسئولیت بر می آید. مربی خودتان باشید. به عملکرد خود در طی یک نشست تجاری دقت کنید. بخصوص به احساسات خود توجه کنید.

تمرکز بر احساسات باعث می شود که بازخورد خوبی از عملکردتان به دست آورید. به خاطر داشته باشید منظور ما "روز سود" و "روز زیان" نیست. آنچه مهم است این است که عملکرد شما در این شغل چگونه است.

آیا شما همچنانکه خود را از احساساتی بودن دور می کنید حرفه ای می شوید؟ یا کم کم در بازار زودرنج و تحریک پذیر می شوید ... بازارسازها ... بی عدالتی زندگی ...؟ احساسات منفی نشانه های اولیه این هستند که شما نیاز به آراش و ریلکس شدن دارید. پس از آن دوباره به به جای خود بازگردید.

تنش ها را از وجود خود جمع نموده و آنها را رها کنید. فقط بگذارید بروند. تمرین تصویرسازی و تجسم را دوباره انجام دهید. به خوتان یاد آوری کنید که این فقط چند درصد است. این فقط یک معامله دیگر در روزی دیگر است.

اگر در طول معامله اشتباهی کردید - خوب همه اشتباه می کنند - سر خود را به دیوار نکوبید. از آن درس بگیرید. یک یادداشت ذهنی از آن بردارید. از بازار به خاطر این جلسه آموزشی تشکر کنید. و ادامه دهید. با خودتان خوب باشید! بسیار مهم است که از دور زدن در چرخه های احساساتی دوری کنید. چون این کار باعث وارد شدن صدمات جذب به شما و حساب تان می شود.

۷- مراقب زیان باشید

گاهی این آزمایش را انجام دهید: از دوستی بخواهید که چشم هایش را ببندد و بازوانش را به دو طرف بکشد. حالا از او بخواهید به کلمه "ضعیف" فکر کند. حال دستان او را به پائین فشار دهید. می بینید که به راحتی دستان او به پائین خواهد آمد.

آزمایش را تکرار کنید، فقط این بار به او بگوئید به کلمه "قوی" فکر کند. این بار خواهید دید که مقاومت بیشتری در پائین آمدن دست ها وجود دارد و شاید به زحمت بتوانید این کار را انجام دهید. دو کلمه ساده، دو نتیجه کاملاً متفاوت.

اگر کلمات آنقدر قدرتمند هستند، فکر کنید که اگر به خودتان "احمق" یا بدتر از آن بگوئید چه بلایی بر سر خودتان می آید.

اما لغات بسیار نافذتر از آن هستند که فقط با اسم خوانده شوند. این یکی چطور؟ ...

"Loss"

پسر، فکر کنید این یکی چه کار می تواند بکند. از دست دادن فرصت؟ ایجاد یک چاله بزرگ در زندگی؟ دزد؟ حتی محرومیت؟

بدون شک زیان دادن برای تریدرها سخت است. بگذارید آنرا چیز دیگری بنامیم:

"An Expense" یا بها

اوه، کمی بهتر شد. بیزینسی تر شد. حالا می توانید آنرا در بعد درستی قرار دهید.

"Win" یا برد

... که این هم در احساسات جای دارد ... و تبدیل می شود به:

"Income" یا درآمد.

درآمد با بها فرق دارد. و این ماهیت واقعی تجارت است. بیزینس وقتی این را بداند بیشتر احتمال سود خواهد داشت. و از تلقین به خود و جدال های ذهنی بپرهیزد چون اینها باعث می شود که در طول راه منطق شما به خشم بیاید. در طول ترید مراقب زبان خود باشید. همیشه از کلمات معمولی استفاده کنید. هم با خودتان و هم با بازار.

۸- میزان معامله کردن خود را کاهش دهید

بهترین زمان برای day trade دو ساعت اول پس از باز شدن بازار است. بعضی تریدرها دوست دارند نیم ساعت آخر بازار را نیز ترید کنند. در این زمان ها حرکات بازار بسیار بیشتر است. با فشارهای واقعی خرید و فروش بهترین روندها ایجاد می شوند.

بسیاری از تریدرهای real-time از قانون "۳ ضربه و سپس خروج" استفاده می کنند. با محدود کردن معاملاتتان به حداکثر ۳ معامله در روز، میزان استرس خود را بسیار کاهش می دهید. سریع تر عمل می کنید و امکان اشتباهتان به حداقل می رسد. شما خود را در مقابل "روز خودکشی" هم ایمن می کنید، روزی که شما به صورت سریالی ضرر می کنید، و هر بار می خواهید ضرر قبلی را جبران کنید ... وقتی این را خارج از بازار مطالعه می کنید فکر می کنید که هرگز در این دام نخواهید افتاد. اما، تعداد تریدرهایی که در نزول های ناگهانی دچار ضررهایی مانند گلوله برفی می شوند تعجب برانگیز است.

شعار؟ فردا هم روز دیگری است. سخت نگیرید. ۴۰ ساعت در هفته ترید نکنید. سود خود را به مرور جمع کنید. و شما با کمتر کار کردن نتیجه بیشتری می گیرید.

۹- زندگی را دریابید

می دانید چرا ترید می کنید؟ برای تفریح و هیجان؟ جدال عصبی محض؟ ترشح آدرنالین ناشی از بازارهای مالی؟ شاید از موقعیت تریدر بودن لذت می برید؟ "سلام جان دو تریدر futures - از دیدن تان خوشحالم" برای برخی تریدرها، یک راه گریز است. آنها از دنیای اطراف شان متنفرند، از شغل شان، رئیس شان، از همسرشان، در واقع از همه زندگی شان. در این شرایط ترید تبدیل به یک رویا برای ورود می شود. در واقع ترید کردن باید برای یک چیز باشد. کسب سود. اگر آنرا به هر دلیل دیگری انجام دهید، احتمالاً محکوم به شکست خواهید بود. چون شما به جای تفکر مکانیکال که نشانه یک تریدر خوب است، احساساتی عمل می کنید. به انگیزه های خودتان برای ترید دقت کنید. ببینید که آیا برنامه روزانه مخفی را می توانید بیابید یا نه. اگر چیزی در زندگی تان کم است، که ترید کردن آنرا پر می کند، پس باید آنرا هدف قرار دهید. یک زندگی متعادل داشته باشید. تمام روز را صرف ترید کردن نکنید. با افراد مختلف ملاقات کنید. بیرون بروید، بیزینس جدیدی را شروع کنید. علایق جدیدی را پیدا کنید. میز ترید خود را از چیزهای احساساتی و نامنظمی خالی کنید.

۱۰- ابزار لازم برای ترید real-time

تریدرهای real-time لحظه به لحظه زندگی می کنند. چنین چیزی کشش اطلاعات زنده است، معمولاً داشتن دید باز چالش برانگیز است. اما برای باقی ماندن و موفق شدن باید این کار را انجام دهید. تجسم یک معامله بعنوان یکی از بی شمار معاملات موجود، به شما کمک می کند که دیسپلین خود را حفظ کرده و احساسات خود را کاهش دهید. اما ابزار تجاری وجود دارد که عملکرد شما را بیش از هر چیز بهبود می بخشد: دفتر یادداشت روزانه.

از نگه داشتن طرائف ذهنی برای نوشتن یادداشت های روزانه نترسید. " یادداشت عزیز... من امروز... این درست نیست.

یادداشت تجاری روزانه شما می تواند کامپیوتری باشد. به صورت فایل word يك فایل text ساده که روی صفحه اصلی تان ذخیره می شود. شاید هم روش سنتی کاغذ و خودکار به نظرتان موثرتر باشد. چیزی در نوشتن با خودکار وجود دارد که آنرا شخصی تر می کند. احتمالا هماهنگی دست و چشم با مغز. روش دیگر ضبط يك نوار است. شاید ترجیح می دهید به جای نوشتن حرف بزنید. از هر روشی که استفاده می کنید ... حقیقتاً چه خواهید نوشت (یا گفت)؟ هر چیز. نگران گرامر نباشید. یادداشت های يك کلمه ای از اتفاقات بنویسید. می توانید به موارد مهم و برجسته اشاره کنید. مانند: کد سهام، تاریخ و زمان، سائز پوزیشن، قیمت ورود، stop-loss قیمت خروج. اما همچنین بسیار مهم است که افکار خود را نیز ثبت کنید. اگر برای ورود به معامله تردید داشتید، این را یادداشت کنید. اگر حالا که وارد آن شده اید و وحشت دارید، این را هم یادداشت کنید.

اگر خارج می شوید بنویسید که چرا. با ضرر خارج شدید؟ سود بردید؟ چرا؟ احساس شما قبل از خروج چگونه بود؟ حالا احساس تان چگونه است؟ بعد چگونه؟

ثبت این جریانات در حال وقوع چند ثانیه بیشتر طول نمی کشد. اما اطلاعاتی که بدست می آورید بسیار ذي قیمت است. دلیل آن این است:

در پایان هر هفته، ترجیحاً در پایان هفته که بازار تعطیل است، ورودهای خود را مرور کنید. تصدیق می کنید که می توانید طرحی را در رفتار تان ببینید. حتما چیزی وجود دارد که با تکرار آن شما نتایج منفی می گیرید.

و وقتی یکبار متوجه مشکل شوید، راه حل آن واضح می شود.

این تمرین را هر هفته انجام دهید، همین طور هر ماه تا يك دید بلند مدت تري بیابید.

شما می توانید این را فقط برای خودتان انجام دهید. هیچ کس بهتر از خودتان دنبال کارهای شما نخواهد بود.

شما برای موفقیت در این بیزینس نیازی به آخرین ورژن سیستم های تجاری چند میلیون دلاری ندارید. به درون آن بنگرید. حتما نتایج خوبی به دست خواهید آورد.

چند توصیه مهم برای تریدرها

۱- برای اینکه يك معامله موفق داشته باشید باید سرمایه کافی برای ریسک داشته باشید. زیان کل سرمایه شما یا بخشی از آن نباید روحیه شما رو تخریب کند و تاثیر منفی بر زندگی شما گذارد در مواقع ضرر شما باید قادر باشید تا از پس چنین کار شاقی به آرامی برآید. ذهن شما باید متوجه بازار باشد نه امور مالی خود برای تصمیمات تجاری درست شما باید آرام باشید. شما نباید از آخرین باقی مانده های امور مالی خود برای تجارت استفاده کنید مسئولیت و فشار میتواند بسیار عظیم باشد طوری که ذهنتان را به سمت امور مالیاتان منحرف کند و ذهن شما دیگر متوجه بازار نباشد. بنابراین امکان اشتباه به شدت افزایش می یابد.

اگر یاد بگیرید که به مشکلات خود بخندید؛ پس همیشه چیزی دارید که به آن بخندید.

Leen Carol

۲- برای افتتاح حساب واقعی تنها پس از مدت کوتاهی تمرین کردن عجله نکنید. تمرین کنید تا احساس اعتماد به نفس کنید خود را با دیگر معامله گران مقایسه نکنید چون مقدار معینی از هر فرد گرفته میشود تا ماهر گردد؛ به این معنی نیست که شما نیاز به زمان بیشتر نخواهید داشت هدف ابتدایی در هنگام تمرین آن است که سبک تجارت فردی را توسعه بخشید درآمد مالی هر هفته شما کمتر از هفته قبل نباشد و طی ماه های متوالی افزایش یابد. تنها پس از رسیدن به این نتایج : مناسب است که حسابی واقعی افتتاح کنید

۳- هرگاه تعداد معاملات موفق بر نا موفق ها پیشی گرفت و بالانس حساب شما افزایش یافت شما نتیجه ای مثبت در تجارت خود بدست آورده اید. مثلاً اگر شما ۵ معامله ناموفق به ارزش ۱۰۰۰ دلار و يك معامله موفق به ارزش ۲۰۰ دلار دارید هرگز نباید به اون افتخار کنید چون یا شانس آورده اید یا به جهت اشتباه در

انتخاب lot ریسک کرده اید هیچگاه به امید شانس نباشید چون بالاخره یک روز تمام می شود.

۴- مهم نیست که این نتایج با حساب دمو باشد مهم این است که بدانید چرا چنین چیزی اتفاق افتاده و اینکه سبک معامله سود آور شخصی خود را پیشرفت دهید .
الهام مهم است ولی اینکه تصمیمات تجاری تنها بر اساس آن باشد غیر قابل قبول است.

۵- یکی از مهلك ترین اشتباهاتی که بعضی از تریدرها مرتکب می شوند را در قالب این مثال برای شما توضیح می دهیم.
یک تریدر بعد از، از دست دادن ۲۰۰ دلار در ۱ پوزیشن به بهانه هایی می اندیشد تا آن را نبندد او فکر می کند شاید بازار تغییر جهت دهد و در جهت موافق حرکت کند ولی جرأت ندارد پوزیشن در حال سقوط را ببندد و تا زمانی که ضررها افزایش می یابد صبر می کند متاسفانه بازار به هیچ کس نیکی نمی کند نهایتاً معامله گر ما مجبور می شود position خود را با ۱۰۰۰ دلار یا بیشتر زیان ببندد .
پس نه تنها پولش را از دست داده است مهم تر از آن روحیه اش را هم از دست داده و اعتماد به نفس خودش و تصمیماتش تقلیل یافته است. علت این اشتباه هم ساده است: حرص از دست دادن ۲۰۰ دلار به فرصت افراد برای جبران ضررهایشان زیان نمیزند ولی از دست دادن ۲۰۰۰-۳۰۰۰ دلار در یک یا ۲ معامله ممکن است کاملاً فرصت فرد را برای کسب درآمد از بین ببرد .
برای اینکه از وقوع چنین وضعی پیش گیری کنیم باید ۱ فرمول ساده را رعایت کنیم .
هرگز فراتر از ریسک برنامه خود که شما را محدود می کند، نروید و هرگاه به آنجا رسیدید positon خود را ببندید.

فاندامنتال و تکنیکال

یک ایده الیست ممکن است به ما بگوید که ارزش یک ارز عکس العمل واقعی دارایی های آن کشور و توسعه اقتصادی کشور است.
البته هیچ چیز فراتر از واقعیت نیست. چیزی که تعیین کننده ارزش یک ارز است تخمین بازار و آنچه بر آن اثر دارد، است. این مسئله کاملاً در مبحث فاندامنتال جای دارد.
در این بخش ما مختصراً نگاهی به رفتار بازار و مشخص کردن رفتار ارز از دید یک trader می پردازیم.
تریدرها از دو ابزار اصلی برای به دست آوردن استراتژی در معاملات خود استفاده می کنند که این دو فاندامنتال و تکنیکال هستند. علت آنکه ما بیشتر بر تکنیکال تاکید می کنیم اینست که تریدرها در سراسر جهان از چارت ها و ایندیکاتورهای یکسانی برای پیش بینی بازار استفاده می کنند. علت اینکه بعضی اوقات بازار به شدت قابل پیش بینی می شود این است که تعداد زیادی از چارت ها و پترن های مشابه توسط عده زیادی استفاده می شود در نتیجه همه آنها رفتار یکسانی درقبال بازار نشان می دهند. وقتی چند هزار تریدر خط مقاومت یکسانی را در معامله خود دارند پس رفتار اکثر آنها در جهت تایید آن خط مشابه می شود.
از طرف دیگر مسائل فاندامنتال مانند یک خبر مهم یا احتمال حمله یا حتی یک گفته می تواند بازار را به مرز دیوانگی سوق دهد. و این عوامل برای اینکه در ترید وارد شویم یا نه باید در نظر گرفته شود.
بازار معمولاً قبل از اعلام خبر خود را به صورتی جهت گیری می کند که برای پیش بینی ها باشد و اگر خبر برابر این انتظارات نباشد بازار جهت مثبت یا منفی به خود می گیرد. معمولاً یک رفتار عادی از معامله گران قرار دادن پوزیشن های خرید و فروش است که بازار اگر در هر جهت برود آنها را بگیرد. پس همیشه یک پوزیشن درست خواهیم داشت. البته مسئله مهمی هم در این مورد باید مراعات شود: آنکه بعضی اوقات یک نوسان کوچک ممکن است ایجاد شده و معامله در جهت عکس را فعال کند.

شایعات و اخبار

همیشه بحث بین تریدرها بوده که بین فاندامنتال و تکنیکال کدام مهمتر است. بیشتر تریدرها از تکنیکال استفاده می کنند. بعضی ها که اصولاً از فاندامنتال استفاده نمی کنند. یک فرد باید بسیار نادان باشد که به کل از فاندامنتال استفاده نکند.
چون مسائل فاندامنتال هستند که می توانند تغییرات سریع بازار را توضیح دهند. معمولاً یک تریدر یک کانال خبری را همیشه باز می گذارد تا از خبرهای پیش بینی نشده مثل بمب گذاری ها یا احتمال جنگ یا اعلان اخبار اقتصادی مطلع شود اخباری که معمولاً حرکات بازار روش تکنیکی را پشتیبانی نمی کند.
وقتی کانال خبری را نگاه می کنید اهمیت خیلی زیادی دارد که اسیر شایعات نشوید معمولاً شایعات

درباره احتمال معاملات بزرگ در قیمت های خاص وجود دارد (البته این شایعات در فروم های اینترنتی نیز دیده می شود) این شایعات معمولاً توسط کسانی گفته می شود که در معاملات اشتباه خود گیر کرده اند و سعی دارند بازار را با حرف بالا یا پایین کنند. بازار معمولاً به اخبار جهانی عکس العمل نشان می دهد. احتمال جنگ یا حملات تروریستی بازار را اغلب به سمت ترندهای جدید می برد. که کل این مسئله در کمتر از یک دقیقه اتفاق می افتد و بعد از این اثر بازار دوباره به سمت قواعد عادی خود برمی گردد.

ترس و مداخله

به علت بزرگی بازار فارکس هیچ کشور یا موسسه نمی تواند تاثیر طولانی مدت بر بازار داشته باشد اگرچه بعضی کشورها از بانک مرکزی خود برای اثرگذاری کوتاه مدت و بلند مدت استفاده می کنند. در سال ۲۰۰۲ بانک ژاپن احساس کرد که دلار دارد به سرعت قدرتش را در مقابل ین از دست می دهد. و رقابت پذیری برای صادرات محصولات ژاپنی مشکل می شود. برای متوقف کردن ین روند آنها در یک لحظه آورده ای تا ۱۰ میلیارد دلار آمریکا وارد کردند که باعث تغییری به اندازه ۱۵۰ پیپ در بازار شد. آنها می توانستند از این روش در هر لحظه و هر قیمت استفاده کنند. وقتی روزانه ۱,۵ تریلیون دلار در بازار معامله می شود قاعدتاً تاثیر ۱۰ میلیارد دلار آمریکا بر بازار بسیار کوتاه بود؛ اما ترس از اینکه ژاپن دوباره این کار را انجام دهد به قدری در بازار زیاد شد که دلار را برای چند ماه در مقابل ین برگرداند. حتی صحبت در باره این معامله ها معمولاً جهت دلار / ین را از نزولی برمی گرداند. اگر به plan های موفق نظر ببینیم می بینیم که آنها مجموعه ای هستند حداقل از فاندمنتال و تکنیکال. البته این بخشی است که در پلنهای قابل بیان است ولی چیزهای مهم دیگری هم هست که بسیار مهم هستند. مثل کنترل های شخصی (کنترل ترس و طمع)، اخلاق تجاری، تجربیات، اعتماد بنفس بجا، آموزش و یادگیری همیشگی، شناخت بازار (عوامل تاثیرگذار و ...) و ... تمامی اینها کامل کننده یکدیگرند و هر کدام کلام هم به تفصیل میتوان مطلب نوشت. تجارت ناقص است. در مورد هر کدام هم به شرایط افراد و حتی روحیات شان متفاوت تصمیم گیری در مورد اهمیت هر کدام هم بسیار نسبی است و با شرایط افراد و حتی روحیات شان متفاوت خواهد بود. حتی نسبت به زمان ها و روزهای متفاوت هم اهمیت آنها تغییر می کند. مطلب زیر ترجمه يك مقاله انگلیسی با همین عنوان است که راجع به روانشناسی ریسک پذیری افراد در بازارهای مالی هست که فارکس هم یکی از آنها است. نوشته شده است البته موضوع بیشتر راجع به ریسک سهام است ولی می شود به ریسک پذیری فارکس هم آن را تعمیم داد چون ریسک فارکس حتی خیلی بیشتر از ریسک سهام است. ضمن اینکه جنبه روانشناسی مقاله حالت عمومیت دارد و در مورد کلیه بازارهایی که بر اساس عرضه و تقاضا فعالیت می کنند، صادق است. آیا تاکنون تمایل داشته اید که پورترفوی (سبد سرمایه گذاری) با ریسک بالا ایجاد کنید؟ یا برعکس از ریسک بالا گریزان بوده اید؟ یا شاید احساس بدی راجع به دورنمای این بازار رو به پایین (Bear Market) داشته اید شاید هم تاکنون پول زیادی از دست داده باشید. هر يك از ما داراي يکي از چهار مزاج سرمایه گذاری هستیم. اگر مزاج سرمایه گذاری خودمان را بشناسیم خیلی بهتر می توانیم ریسک سرمایه گذاری های خود را مدیریت کنیم و برای رسیدن به اهداف مان برنامه ریزی کنیم. پروفیسور میر استاتمن می گوید: مردم حسبی دارند که به آنها می گوید چه مقدار از ریسک را می توانند تحمل کنند. شاید فردی که از هواپیما به بیرون می پرد هرگز حاضر نشود در سهام پریسک سرمایه گذاری کند. به علاوه ممکن است هریک از ما بیش از يك گرایش در باب ریسک داشته باشیم. چهار مزاج مختلف سرمایه گذاری را می توان به صورت زیر توضیح داد:

۱- نگهبانان: آنها را می توان بنیادهای اجتماع نامید. نگهبانان خیلی به بنیان های اجتماعی بها می دهند. آنها استعدادهای طبیعی خودشان را برای مدیریت خانواده، جوامع، بنیادها و سازمان ها به کار می گیرند. نگهبانان هشیار، محافظه کار، وظیفه شناس و با انضباط هستند. آنها شدیداً به قوانین احترام می گذارند و با دیگران تشریک مساعی و همکاری می کنند.

۲- صنعت گران: آنها يك قدرت ذاتی برای برتر شدن در هر صنعتی دارند. به علاوه در ورزش، جنگ، سیاست و مکانیک برترین ها هستند. این برتری شامل هنر معامله گری در تجارت نیز می شود. آنها همیشه می خواهند در جایی باشند که تحرك بیشتری وجود دارد. آنها بسیار سبقت جو هستند و می توانند به طور آني

و بدون فکر قبلي تصميمات مهمي بگيرند. آنها به شانس اعتقاد دارند. به اضافه همه اين موارد آنها بر خطاي خود پافشاري مي کنند و نمي توانند مدت زيادي انتظار بکشند، پس انداز کنند يا به اميد فردا زندگي کند.

۳- ایده آلیست ها: به نحو شهوت آمیزی به توسعه و رشد شخصي اهمیت می دهند. ایده آلیست ها می کوشند تا بفهمند کی هستند و چگونه می تواند بهبود بیابند. در این راه آنها می خواهند که دیگران را نیز همسفر خود کنند. آنها به طور گسترده ای در مباحث آموزشی، خدمات اجتماعی و ژورنالیستی با مردم همکاری می کنند. آنها استعداد بالایی در کمک کردن به مردم برای پیدا کردن راه شان در زندگي دارند.

۴- خردگرایان: آنها خیلی منطقي فکر می کنند و استقلال فکري شدیدی دارند. آنها در انواع و اقسام مسائل از سیستم های ارگانیک گیاهی و جانوري گرفته تا سیستم های مکانیکی و کامپیوتری و حتی سیستم های اجتماعی، خانوادگی و دولتي در گیر می شوند و افکار مستقلانه خود را ارائه می دهند. آنها در مورد همه ایده ها حتی ایده های خودشان هم شکاک هستند. آنها اغلب سرد و غیر صمیمی به نظر می رسند ولی این بیشتر به خاطر افکار همیشه متمرکز شده آنها بر مسائل مختلف است.

چهار گروه چگونه سرمایه گذاری می کنند؟

نگهبانان همان طور که از اسم شان پیداست نمایش واقعی يك سرمایه گذار كاملا محافظه کار هستند. در حالی که صنعت گران و ایده آلیست ها ریسك بیشتری را در سرمایه گذاری می پذیرند، و خردگرایان رفتار متغیری دارند آنها گاهی اوقات در سرمایه گذاری های بسیار پر ریسك وارد می شوند که حتی برخی از ایده آلیست ها و صنعت گران از ورود در آن بیم دارند.

يك مطالعه که راجع به رفتار این گروه ها در قبال داشتن سهام و اوراق قرضه (سهام به عنوان دارایی ریسك دار و اوراق قرضه به عنوان دارایی بدون ریسك) انجام شد نشان داد که اکثریت خردگرایان تمایل به داشتن بیشتر سهام دارند در حالیکه اکثریت گروه نگهبانان تمایل به داشتن بیشتر اوراق قرضه دارند. و ایده آلیست ها و صنعت گران در بین این دو گروه قرار دارند.